



مقدمه

انسان در طول تاریخ، هیچ گاه از اندیشه و رؤیای «به زیستن» فارغ نبوده و نگاه او همواره برای یافتن آینده ای بهتر و سامان یافته تر، دوخته شده است.

با آن که زورمداران و استضعاف گران، همیشه مخالفان رژیم خود را در هم می کوبند، در بند می کنند، به زندان می اندازند، به خاک و خون می کشند و می خواهند از هر طریق ممکن موقعیت خویش را حفظ کنند؛ اما مستضعفان به امید رسیدن به روزی خوش - روزی که به خواسته های مشروع خود برسند - زندگی را بر حاکمان ستمگر، سخت و تلخ ساخته و مسیر تاریخ را عوض کرده اند. سیاه پوست آمریکایی و آفریقایی قیام کرده حقوق خود را می طلبند. مردم اندونزی، الجزایر و ایران بپا خواسته استعمار و استعمارگران را طرد می کنند و به حیات آنها خاتمه می دهند و فلسطینی ها به انتفاضه خود ادامه می دهند.

آرزوی به زیستن و داشتن زندگی آرام، با زندگی بشر عجین بوده و در طول تاریخ، از آن جدا نشده است. او همواره، به فکر چنان روزی بوده و آنی از این اندیشه، جدا نشده است؛ گرچه هنوز در ایجاد چنان زندگی مطلوب و ایده آل خود، موفقیتی نداشته است.

رؤیای مزبور در زندگی انسان، به گونه های مختلفی تبلور یافته و اندیشمندان هر عصری، برای تعبیر شدن آن، چاره ها اندیشیده و آن را در قالب «مدینه فاضله» مطرح کرده اند که در آن از نابسامانی و دغدغه های جوامع

موجود، اثر و نشانی نباشد. از مدینه فاضله افلاطونی گرفته تا مدینه فاضله فارابی، و از مدینه فاضله کمونیست ها و سوسیالیست های تخیلی و بهشت موعود آنان، گرفته تا مدینه فاضله عصر روشنگری و انسان مداری ... آنها به خیال خود بشر را از قید و بند دین و آداب و تکالیف دینی آزاد نموده و انسان را محور همه چیز قرار داده اند و دین و مذهب انسانیت را پایه گذاری کرده اند.

اما «مدینه فاضله موعود» اسلام - که در قرآن و روایات وعده تحقق آن داده شده - غیر از این مدینه های فاضله ای است که دیگران مطرح کرده اند؛ زیرا ویژگی های مدینه فاضله اسلامی - که در عصر حکومت حضرت مهدی (عج) تحقق پیدا خواهد کرد - به گونه ای است که آن را از سایر مدینه های فاضله پیشنهادی دیگران، ممتاز می سازد. در این مقاله نخست به آینده جهان از دیدگاه اسلام اشاره می شود؛ سپس ویژگی های عصر ظهور و مدینه فاضله اسلام بیان می گردد.

الف) آینده جهان در دیدگاه اسلام

اوضاع آشفته و اسفناک جهان، مردم را به وحشت انداخته و جنگ های سرد و گرم، مسابقه تسلیحاتی، صف آرای قدرت‌مندان و... جهانیان را خسته و فرسوده کرده است. تولید و تکثیر سلاح های جنگی، نسل بشر را تهدید به نابودی می کند، و خودسری و طغیان غارت گران بین المللی، ملل عقب نگاه داشته شده را از تمام شؤون زندگی ساقط ساخته است.

محرومیت روز افزون طبقه ضعیف، استمداد گرسنگان جهان و گسترش فقر و بی کاری، وجدان های زنده و دل های حساس را پریشان نموده است. تنزل اخلاق انسان ها، بی رغبتی نسبت به امور دینی، روی گردانی از قوانین الهی، افراط در مادی گری و رونق یافتن مظاهر فساد و شهوت پرستی، روشن بینان و آگاهان جهان را مضطرب کرده است.

این اوضاع خیرخواهان، عاقبت اندیشان و اصلاح طلبان را سرگردان نموده و زنگ سقوط انسانیت در گوش آنان طنین انداخته است و آنان را نسبت به اوضاع آینده جهان بدبین کرده است. آنان از عواقب وخیم و سرنوشت خطرناک آن به خود می لرزند و از حل مشکل جهان اظهار عجز می کنند.

در این میان مسلمانان آگاه - به ویژه شیعیان - از یاس و نومیدی دوری گزیده و به عاقبت و سرنوشت بشر خوشبین اند. آنان در انتظار روز موعود اسلام و مدینه فاضله آن، روز شماری می کنند و عاقبت کار را از آن مردم نیک کردار می دانند. ایشان معتقداند که از قوانین موضوعه و سازمان های پر زرق و برق بین المللی، کاری ساخته نیست. آن مدینه فاضله و عصر درخشانی که در آن بشر به سعادت و کمال لایق خویش می رسد. حاکمیت در آن زمان، از آن امام معصوم است که از خطا، اشتباه و غرض ورزی منزه و پاک است. این همان روزی است که قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام)، بشریت را مأمور به انتظار چنان روزی نموده و دستور ایجاد زمینه و آمادگی از هر جهت را به بشریت داده اند. این عقیده نشأت گرفته از آیات قرآن و روایات متواتر قطعی از طریق اهل بیت (علیهم السلام) است.

انتظار در آیات و روایات (1)

آیات:

1. «(قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)؛ (2) موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبایی کنید، به تحقیق که زمین از آن خدا است؛ به هر کس از بندگانش بخواهد منتقل می فرماید و حسن عاقبت از آن پرهیزکاران است» .
2. «(وَأَوْثَرْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ)؛ (3) و میراث دادیم به قومی که ضعیف شمرده شده بودند خاورهای زمین و باخترهای آن را که مبارک گردانیده بودیم، و تمام گردید کلمه و وعده نیکوی پروردگار تو بر بنی اسرائیل به سبب آن که صبر کردند، و ویران ساختیم آنچه را فرعون و قومش می ساختند و آنچه را که افراشته بودند» .
3. «(بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ)؛ (4) بلکه حق را به شدت بر باطل افکنیم، پس حق باطل را در هم می شکند، آن گاه از میان می رود» .
4. «(يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) (5)؛ می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش سازند و خداوند تمام کننده نور خویش است هر چند کافران را خوش نیاید» .
5. «(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛ (6) همانا در زبور پس از ذکر (تورات)، نگاشتیم که زمین را بندگان شایسته به ارث می برند» .
6. «(وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛ (7) ما اراده کردیم که بر آنان که در زمین استضعاف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوای مردم و وارث زمین و ملک و جاه گردانیم» .
7. «(وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ)؛ (8) همانا عهد ما درباره بندگان که به رسالت فرستادیم، سبقت گرفته است که البته آنها بر کافران فتح و پیروزی یابند و قطعا سپاهیان ما غالب اند» .
8. «(وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَحِقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ)؛ (9) و خداوند می خواست که صدق سخنان حق را ثابت گردانیده و ریشه کافران را از بیخ بن برکند» .
9. «(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ)؛ (10) خداوند وعده فرموده به کسانی از شما که ایمان آورده و نیکوکار گردد [به این که] در زمین خلافت دهد» .
10. «(فَإِنَّ جِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ)؛ (11) همانا حزب خدا پیروز است» .
11. «(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ (12) او است خدا که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد» .

روایات:

1. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا، وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)»؛ (13) دنیا پس از چموشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد - به ما روی می آورد... [سپس حضرت آیه شریفه را قرائت کرد].

2. «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَبَعَثَ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَنْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا؛ (14) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر باقی نماند از روزگار مگر یک روز، البته خداوند بر می انگیزد مردی از اهل بیت مرا که زمین را از عدل پر کند، همچنان که از ستم پر شده باشد».

3. «قال الصادق (عليه السلام): إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ، ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ (15) امام صادق (علیه السلام) فرمود: البته برای ما دولتی است که وقتی خداوند خواست، آن را می آورد. هر کس شاد می شود که از اصحاب قائم باشد باید منتظر باشد و باید کار به پارسایی و اخلاق نیک کند و چنین کسی منتظر است».

روایات در این رابطه بسیار است که نیاز به نقل همه آنها نیست.

طبق این آیات و روایات خداوند، وعده تشکیل حکومت واحد جهانی، بسط و غلبه دین اسلام بر کلیه ادیان، زمامداری صالحان و شایستگان پیروزی حزب الله و غلبه لشکریان خدا بر جنود شیطان را داده است. البته این وعده تا کنون محقق نشده است و در روایات نیز، گفته شده که این موضوع در عصر ظهور مهدی (علیه السلام) واقع خواهد شد. از این رو شیعه و آگاهان از اهل سنت، به چنان روزی معتقد شده و انتظار آن را می کشند و کلام رسول خدا «وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (16) را مربوط به آن عصر و انتظار آن مدینه فاضله می دانند.

بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت، آینده جهان، روشن و امید بخش است؛ هرچند که امروزه تیره و تاریک می باشد. از این رو ما به امید روزی نشسته ایم که حاکمیت در آن، مخصوص ولی معصوم خدا و قوانین جاری در آن، مبتنی بر احکام الهی باشد، عدل و علم گسترش یافته و برادری و برابری در جامعه حاکم گردد. ظلم، ستم، جهل، تیرگی، کینه توزی و خون ریزی در آن ریشه کن گردد و از اختلافات و وجود طبقات برتر و فروتر و استکبار و استضعاف در آن، خبری نباشد.

(ب) ویژگی های عصر ظهور (مدینه فاضله اسلامی)

مدینه فاضله اسلامی - که در عصر ظهور به دست مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله) بنا می شود - ویژگی ها و خصایصی دارد که آن را از سایر مدینه های بیان شده، ممتاز و جدا می سازد؛ که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می شود:

1. حاکم در عصر ظهور

پیشرفت ها در عصر ظهور، معلول عواملی است که یکی از آنها وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص (از قبیل احساسات حیوانی، خشم، غضب بی جا، شهوت، کبر و غرور و خودخواهی) است. او فقط وابسته به خدا است و به همه ملت ها، جمعیت ها و نژادها، با چشم مهربانی و برابری نگاه می کند و فرقی بین اقوام و قبایل قائل نیست. بین سیاه و سفید، آسیایی و آمریکایی و اروپایی و آفریقایی فرقی نمی گذارد و به همه با دید یکسان می نگرد؛ در حالی که رهبران دیگر دنیا چنین نیستند، و عالی ترین همت آنان، استثمار دیگران و هضم یک جامعه در جامعه قوی تر و کوشش برای یک ملت است. آنها می خواهند ملتی را فدای ملت دیگر کنند و ذخایر طبیعی ملت ضعیف را به نفع ملت خود تصاحب نمایند.

اما رهبران الهی چون وابسته به جمعیت خاصی نبوده و خود را وابسته به خدایی می دانند که خالق و رازق همه است، هدفشان آسایش عمومی، آزادی گسترده و تشکیل یک سازمان عالی الهی است که در سایه آن، بشر مانند افراد یک خانواده زندگی کنند و سفید و سیاه باهم برادر و برابر باشند.

آری سرانجام اداره امور جهان، در کف با کفایت صالح ترین افراد بشر قرار خواهد گرفت و به برکت وجود آن حاکم معصوم الهی، بشریت از آسیب ظلم و ستم نجات یافته، از ترس فقر، پریشانی، ناامنی های گوناگون و بی عدالتی ها آزاد خواهد شد. اینک که عالم به سوی یک آینده درخشان، تکامل روحانی و عقلانی، نظام مستحکم دینی و الهی، عصر صلح و صفا و برادری و همکاری، پیش می رود. ما نیز به امید آن عصر نورانی، با نشاط فراوان و دلی زنده پا برجا ایستاده و انجام وظیفه می کنیم و تنها آرزوی ما، زندگی در پناه حکومت آن راد مرد عالم بشریت حضرت مهدی (عج) است.

2. حکومت در عصر ظهور

حکومتی که در مدینه فاضله اسلامی و در عصر حاکمیت امام مهدی (عج) مستقر خواهد شد، در تمام جهات با حکومت های موجود در عالم فرق دارد. حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظامات جاری در آن، هیچ شباهتی با حکومت های موجود در عالم ندارد: نوع حکومتش، الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدفش متحد کردن جماعت ها و ملت ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم است. حاکم آن نیز امام معصوم، احیا کننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورات الهی است. اسلام می خواهد تمام اختلافات و جدایی ها را که به نام های گوناگون پدید آمده، به وسیله عقیده توحیدی، از میان بردارد. تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی باید از میان برود و سبب امتیاز، افتخار و اعتبار نباشد و حتی در آن حکومت، اختلاف دینی هم باید کنار گذاشته شود و همه، در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خدا باشند. این همان حکومت واحد جهانی است که کره زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره می شود. اسلام برای بشر چنین حکومتی را پیش بینی کرده و در حدودی که وظیفه تشریع است، مقدمات آن را فراهم ساخته و عملی

شدن آن را موکول به آماده شدن زمینه کامل آن کرده است. اساساً حفظ یک انسان کامل به عنوان ولی الله الاعظم و نگه داری آن در پشت پرده غیبت، برای تشکیل چنان حکومت واحد جهانی است؛ زیرا تشکیل چنان حکومتی، از عهده انسان های عادی خارج است.

3. عدل در عصر ظهور

در اسلام، مساله عدل، از روز نخست در تمام زمینه ها مورد توجه و عنایت بوده است؛ از بعد عقیدتی و دینی گرفته تا بعد فقهی و اجتماعی، از قرآن و سنت بر می آید که عدل و مظاهر آن، پسندیده و موجب خشنودی حضرت حق است؛ اما قدر و منزلت آن، به علت گستردگی و اقامه آن در سطح وسیع اجتماعی است؛ یعنی، مردم آن قدر به رشد معنوی و کمال روحی نایل گردند که تمام افراد یا حداقل اکثر آنان، خواهان عدل باشند و خود عملاً آن را به اجرا گذارند.

پیامبران الهی، در ماموریت آسمانی خود، خواهان اقامه عدل در جهان و در بین همه انسان ها بوده اند و می خواستند مردم را طوری تربیت کنند که آنان خود قسط و عدل را به پا دارند؛ نه آن که به زور و قدرت حاکم به عدالت تن دهند. قرآن کریم می فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط». (17)

از این آیه استفاده می شود که پیامبران می خواستند، مردم را طوری تربیت کنند تا خود، قیام به قسط نمایند و عدل را بر پا دارند؛ لذا فرمود: (لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) و نفرمود: (لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) تا معنایش این باشد که پیامبران به عنوان حاکم عادل، مانند سایر زمامداران عادل، مردم را با نیروی نظامی و انتظامی و قدرت های اجرایی، به رعایت عدل وادارند؛ زیرا فرق است بین این که حاکمی خود عادل باشد و بخواهد در حکومت او عدل اجرا شود و به کسی ستم نگرند و بین آن که مردم در جامعه، از نظر کمالات و درک عقلانی به جایی برسند که خود اقامه عدل نمایند و بفهمند که عدل برتر از ظلم است و در آنان کششی نسبت به ظلم نباشد. به هر حال در اسلام و تعالیم الهی، عدل از جایگاه رفیعی برخوردار است تا جایی که همه انسان ها مأمور شده اند در تمام زمینه های زندگی خود - در اصول و فروع، در نظام اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و نظامی، در گفتار و کردار و... عدالت را مراعات کنند:

«اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»؛ (18) عدالت ورزید که عدالت به تقوا نزدیک تر است» .

و «إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا»؛ (19) وقتی سخن گفتید به عدالت سخن گویند» .

و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ»؛ (20) خدای متعال به عدل و احسان امر می کند» .

و «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اْعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»؛ (21) ...» .

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است:

«من لم یحمد عدلاً و لم یذم جوراً فقد بارز الله تعالى بالمحاربة»؛ (22) هر کس عدل را تمجید نکند و از جور و بیداد مذمت ننماید، به جنگ با خدای تعالی برخاسته است» .

آیات و روایات درباره شرافت، عظمت و اهمیت «عدالت» به قدری زیاد است که از گنجایش این نوشتار خارج

است.

بنابراین کلمه عدل، واژه غریبی نیست؛ اما حقیقتی قریب هم نیست. بشر در طول تاریخ زندگی خود، همواره منتظر بوده که روزی، این خواب تعبیر شود و عدل در جوامع بشری حاکم گردد. انسان های بسیاری نیز با اندیشه عدل و عدالت خواهی، به فکر تعبیر این رؤیای شیرین بشری بر آمده و تلاش بسیار کرده اند؛ اما تلاش آنان در بیشتر موارد کم ثمر یا بی ثمر مانده و عدالت در معنای حقیقی آن، همچنان در عالم رؤیا باقی مانده است. وه چقدر سخت است تعبیر نشدن این رؤیای شیرین و دلپذیر! رؤیایی که تمامی اجزای وجود انسان، در طول تاریخ، با آن عجین بوده و نگاه پر انتظار او، در تعبیر آن خسته و کم سو گشته است.

با همه این احوال، هیچ گاه آرزوی تعبیر شدن این رؤیا، در اعماق دل و جان انسان ها به یاس و ناامیدی تبدیل نشده است؛ اما هر چه بر شماره اوراق تاریخ افزون می گردد، از شماره انتظار ما کاسته می شود و این همان چراغ امیدی است که قرن ها در دل انسان ها، به عشق آمدن آن منجی، روشن و فروزان است. به عشق او که نامش «عدل» است:

«الْسَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ» و «اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ».

(23)

دو چیز از شاخصه های اصلی حکومت او است:

1. حکومت واحد جهانی که تنها او است که چنین حکومتی را ایجاد می کند.
 2. عدل جهانی که تنها در جامعه ای که او تشکیل می دهد و خود در راس آن قرار می گیرد، عدل با تمام ابعادش گسترده می شود. همان گونه که حکومت او جهانی است، عدل او نیز گسترده و جهانی است و در روایات، این شاخصه از سایر شاخصه های دیگر کومت حضرت مهدی (عج)، بارزتر و بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.
- «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرًا» .

رسول خدا در حدیثی فرمود: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَزِلٍ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ...»؛ (24)

مژده می دهم شما را به مهدی که او در امت من، به هنگام اختلاف و سختی ها بر انگيخته می شود. پس زمین را پر از قسط و عدل می سازد؛ همان طوری که از جور و ستم پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از او راضی می شوند و...» .

بنابراین در مدینه فاضله اسلامی و در عصر ظهور آن منجی عالم، عمدتاً از عدل و قسط سخن به میان می آید. دامنه عدالت او تا اقصی نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه، گسترده می شود. عدالت همانند گرما و سرما در درون خانه های مردمان نفوذ می کند و مامن و مسکن وجود آنان را سامان می بخشد. (25)

در حکومت آن حضرت هیچ ویژگی به اندازه «عدل و قسط» ، برجستگی و روشنی ندارد و مردم آن حضرت را عمدتاً از عدل او می شناسند و الآن نیز آنچه در اولین لحظه از نام مبارک او در ذهن خطور می کند، عدل او است.

4. علم در عصر ظهور

عصر ظهور، زمان گسترش و شکوفایی علم و دانایی است، و مدینه فاضله اسلامی، شهر علم و دانش است. با آمدن منجی عالم، همان گونه که ظلم و بیداد جای خود را به عدل و دادگری می سپارد، و نابسامانی های اجتماعی به سامان می گراید؛ جهل و نادانی نیز جای خود را به علم و دانایی می دهد و جهان از نور عقل و دانش آکنده می شود. علوم و دانش هایی که در طول اعصار و قرون در پشت پرده ها مکنون مانده بود، ابراز می گردد و مرز دانایی و یادگیری تا سراپرده منازل و اعماق وجود تک تک انسان ها، گسترش می یابد.

امام صادق (علیه السلام) در این باره فرموده است:

«الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ، وَ صَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةٌ وَ عِشْرِينَ حَرْفًا؛ (26)

علم و دانش 27 حرف است و 27 شعبه و شاخه دارد. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند. 25 حرف و شاخه و شعبه دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می کند تا 27 حرف کامل و منتشر گردد».

این حدیث به روشنی، جهش فوق العاده علمی عصر انقلاب مهدی (عج) را مشخص می سازد؛ یعنی، تحول و پیشرفتی به میزان بیش از دوازده برابر، نسبت به تمامی علوم و دانش هایی که در عصر همه پیامبران راستین به بشریت اعطا شده است، پیش می آید و درهای تمامی رشته ها و شاخه های علوم مفید و سازنده، به روی انسان ها گشوده می شود و راهی را که بشر طی هزاران سال پیموده، به میزان بیش از دوازده برابر آن در اندک زمانی پیموده می شود.

حضرت امام باقر (علیه السلام) نیز فرموده است:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَّعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ؛ (27)

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست محبتش را به سر بندگان می گذارد و عقول آنها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می کند».

بدین ترتیب، در پرتو ارشاد و هدایت حضرت مهدی (عج) و در زیر دست عنایت او، مغزها در مسیر کمال به حرکت در می آید و اندیشه ها شکوفا می شوند. کوته بینی ها، تنگ نظری ها و افکار پست و پلید - که سرچشمه بسیاری از تضادها و برخوردهای خشونت آمیز اجتماعی است - ، برطرف می گردد. مردمی بلند نظر، با افکاری باز و سینه هایی گشاده و همتی والا و بینشی وسیع، پرورش می یابند، لذا هر 27 حرف علم پیاده می شود.

5. ارتباطات در عصر ظهور

در عصر ظهور، به جهت جهش علمی و پیشرفت فن آوری و صنعت، وسایل ارتباطات و اطلاعات آن قدر پیشرفته

خواهد بود که دنیا را همچون کف دست نشان می دهد و برای آگاهی به اقصی نقاط کشور، نیازی به وسایل و ابزار ارتباطی امروزی نیست. از این رو حکومت مرکزی، نسبت به کل عالم - که تحت حکومت واحد او هستند - تسلط کامل دارد و به موقع و بدون فوت وقت، وارد عمل شده، مشکل را حل می کند و هرگونه توطئه و فساد را در نطفه خفه می سازد. بین امام مهدی (عج) و مردم، نامه رسانی وجود ندارد و مردم در هر نقطه ای از کره زمین، امام را مشاهده می کنند و امام با آنان سخن می گوید. این مساله، اختصاص به امام و رعیت ندارد؛ بلکه مردم عادی نیز با همدیگر سخن می گویند و همدیگر را مشاهده می کنند، در حالی که یکی در مشرق عالم و دیگری در مغرب آن است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِشَيْعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ (علیه السلام) بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ؛ (28)

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آنان و آن حضرت (رهبر و پیشوایان) نامه رسان نخواهد بود، با آنها سخن می گوید و آنان سخنش را می شنوند و او را می بینند؛ در حالی که او در مکان خویش است [و مردم در نقاط دیگر جهان].

وسایل انتقال صدا و تصویر، به طور همگانی، ساده و آسان در اختیار همه پیروان او قرار می گیرد؛ آن چنان که چیزی به نام اداره پست در آن عصر، چیز زایدی به حساب می آید و مسائل جاری آن حکومت، بدون نیاز به کاغذ بازی، حل و فصل می شود؛ زیرا همه دستورها و برنامه ها با سیستم «شهود و حضور» ابلاغ و اجرا می شود. امام صادق (علیه السلام)، در گفتار دیگری این حقیقت را به طور بارزی تکمیل فرموده است:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ (29)

مؤمن در زمان حضرت مهدی (عج) در حالی که در مشرق است برادر خود را در مغرب می بیند و همچنین کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق مشاهده می کند». بنابراین ارتباط مستقیم نه تنها در سطح حکومت؛ بلکه در میان عموم نیز عملی می شود. در این زمان پیوندهای ظاهری، جسمانی و معنوی دل ها را استحکام می بخشد، به گونه ای که جهان به راستی به شکل یک خانه و مردمش همچون اهل یک خانواده در می آیند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ حَقَّصَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ إِذَا كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَا يُبْصِرُهَا؛ (30)

وقتی کارها به صاحب اصلی ولایت [حضرت مهدی (علیه السلام)] برسد، خداوند هر نقطه فرورفته ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می برد. آن چنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود. کدام یک از شماها اگر در کف دستش مویی باشد، آن را نمی بیند؟»

طبق این حدیث در عصر ظهور، یک سیستم نیرومند و مجهز، برای انتقال تصویرها به وجود خواهد آمد که شاید تصور آن امروزه برای ما مشکل باشد. تمام جهان به منزله کف دست خواهد شد و پستی و بلندی های زمین، مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد بود. البته بدون یک چنین سلطه اطلاعاتی و ارتباطی بر تمام کره زمین، حکومت واحد جهانی و صلح، امنیت و عدالت به طور همه جانبه، امکان پذیر نخواهد بود. برای اداره چنان

حکومتی، امکانات زیادی لازم است که خداوند آنها را در اختیار او و تشکیلاتش قرار می دهد.

امام باقر (علیه السلام) نیز فرموده است:

«إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ حَتَّىٰ إِنَّهُ يُبْعَثُ إِلَى رَجُلٍ لَا يَعْلَمُ النَّاسُ لَهُ ذَنْبًا فَيَقْتُلُهُ حَتَّىٰ إِنَّ أَحَدَهُمْ يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ؛ (31)

حضرت مهدی (عج) از این جهت مهدی نامیده شده است که به امور مخفی و پنهان هدایت می شود، تا آن جا که گاه او به سراغ کسی می فرستد که مردم او را بی گناه دانسته و به قتل می رساند [زیرا از گناه نهانی او همانند قتل نفس که موجب قصاص است آگاه است] و تا آن جا که برخی از مردم هنگامی که درون خانه خود سخن می گویند، می ترسند دیوار بر ضد آنها شهادت دهد» .

این حدیث نیز گواه آن است که در آن عصر، نیکان و پاکان در نهایت آزادی به سر می برند؛ خلافاً کاران چنان تحت کنترل اند که ممکن است امواج صوتی آنان، با وسایل پیشرفته ای از دیوار خانه هایشان باز گرفته شود و به هنگام لزوم، می توان فهمید که آنها در درون خانه چه گفته اند؟! گفتنی است که این پیشرفت های عظیم، محصول تکامل علمی عصر بعد از ظهور است، نه اعجاز؛ زیرا زندگی بشر در این عالم، باید مطابق سنت های طبیعی باشد؛ نه اعجازی که امری استثنایی و برای موارد ضروری و فوق العاده است، آن هم در مسیر اثبات حقانیت دعوت نبوت یا امامت.

6. رفاه و آسایش در عصر ظهور

مدینه فاضله اسلامی، در حقیقت آرمان شهر آسایش و رفاه همگانی است. رفاه و تنعم به گونه ای خواهد بود که دیگر نیازمندی در سطح جامعه یافت نمی شود؛ چون توزیع عادلانه منابع و ثروت جایی برای فقر و طبقه ضعیف باقی نمی گذارد. در آن جامعه، مانند جوامع کنونی عمل نمی شود که بیش از هشتاد درصد ثروت، در دست کمتر از بیست درصد و بیست درصد آن در دست هشتاد درصد مردم باشد و در نتیجه طبقه مرفه و فقیر پیدا شود. به علاوه در آن عصر، به جهت اجرای عدالت، نه آسمان از ریزش برکات خود بر مردم دریغ می ورزد و نه زمین امساک می کند؛ بلکه هرچه دارند در اختیار بشر قرار می دهند. از این رو در شهر عدالت که حقوق انسان ها محور توجه و برنامه ریزی است، بالطبع بذر این توجه، محصولی چون رفاه و برخورداری همگانی از موهبت های الهی را در پی خواهد داشت. این موضوع در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به خوبی تبیین شده است:

«انه يبلغ سلطانه المشرق والمغرب وتظهر له الكنوز ولا يبقى في الارض خراب الا يعمره؛ (32)

حکومت او شرق و غرب جهان را فرا می گیرد و گنج های زمین برای او ظاهر می شود و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند؛ مگر این که آن را آباد خواهد ساخت» .

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ الْجَوْرُ فِي أَيَّامِهِ وَآمَنَتْ بِهِ السَّبِيلُ، وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَرَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ... حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمِيذٍ مَوْضِعاً لَصَدَقْتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لَشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ...؛ (33)

وقتی که قائم قیام کند، حکومت را براساس عدالت قرار می دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می شود و جاده ها در پرتو وجودش، امن و امان می گردد، و زمین برکاتش را خارج می سازد و هر حقی به صاحبش می رسد، و در میان مردم، همانند داود و محمد (صلی الله علیه و آله) حکم و داوری می کند. در این هنگام زمین گنج هایش را آشکار می سازد و برکات خود را ظاهر می کند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی نیاز و غنی خواهند شد...» .

بیان ظاهر شدن برکات زمین و خارج شدن گنج ها، نشان می دهد که هم مساله زراعت و کشاورزی به اوج ترقی خود می رسد و هم تمام منابع زیر زمینی، کشف و مورد استفاده قرار می گیرد. در آمد سرانه افراد، آن قدر بالا می رود که در هیچ جامعه ای، فقری پیدا نمی شود و همه به سر حد بی نیازی و خود کفایی می رسند.

امام علی (علیه السلام) فرمود: «يُزْرَعُ الْإِنْسَانُ مَدًا، يُخْرَجُ لَهُ سَبْعُمَاةٌ مَدًا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ)؛ (34) [در عصر حضرت مهدی] انسان یک مد می کارد و هفتصد مد برداشت می کند، چنان که مضمون آیه شریفه قرآن است» .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«وَيُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَقْلَادَ كَبِدِهَا وَ يَخْتُوُ الْمَالَ حَتَّى لَا يَعْدُهُ عَدًّا؛ (35)

زمین در آن عصر قطعات کبد خود را برای او بیرون می فرستد و او ثروت بدون شماره و محاسبه در میان مردم پخش می کند.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى إِخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَزِلَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا فَقَالَ رَجُلٌ مَا صِحَاحًا؟ قَالَ بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَ يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غَنًى وَ يَسْعَهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَقُولُ مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ ثُمَّ يَأْمُرُ لَهُ بِالْمَالِ فَيَاخُذُ ثُمَّ يَنْدِمُ وَيَرُدُّ؛ (36)

شما را به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) بشارت می دهم که زمین را پر از عدالت می کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است. ساکنان آسمانها و زمین از او راضی می شوند و اموال و ثروت ها را به طور صحیح تقسیم می کند. شخصی پرسید تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود: به طور مساوی در میان مردم تقسیم شود و دل های پیروان محمد را پر از بی نیازی کند و عدالتش همه را فراگیرد، تا آن جا که دستور دهد کسی با صدای بلند صدا زند که هر کس نیاز مالی دارد، برخیزد. هیچ کس جز یک نفر بر نمی خیزد، سپس امام دستور می دهد مال قابل ملاحظه ای به او بدهند؛ اما او به زودی پشیمان می شود که چرا آزمند و حریص بوده است و مال را بر می گرداند» .

7. سفر به فضا در عصر ظهور

در عصر ظهور، به جهت وسایل فوق مدرنی که در اختیار مردم قرار می گیرد، سفر به فضا و کرات بالا، همانند سفرهای زمینی امری عادی خواهد شد. البته روایات این باب، سفر به آسمان ها را برای خود آن حضرت می دانند؛

لکن ظاهراً وضع آن زمان، به گونه ای خواهد بود که سفر به آسمان ها همانند سفر از قاره ای به قاره دیگر در عصر ما بوده و امکانات سفر به فضا، در اختیار همه قرار خواهد گرفت؛ یعنی، زندگی بر روی زمین در آن مدینه فاضله، وارد مرحله جدیدی خواهد شد که به طور کلی با وضعیت گذشته فرق دارد. همان گونه که امروزه بشر به پیشرفت هایی در صنایع و نرم افزار ست یافته که اگر در گذشته گفته می شد، پذیرش آن تنها از طریق اعجاز مورد قبول واقع می شد. از این رو پیشرفت های آن عصر برای مردم امروز ما، به آسانی قابل قبول نیست و عده ای هم آن را از باب اعجاز حضرت مهدی (عج) قبول می کنند.

امام باقر (علیه السلام) در همین رابطه می فرماید:

«ذَخَرَ لِصَاحِبِكُمْ الصَّعْبَ، قَالَ قُلْتُ وَ مَا الصَّعْبُ؟ قَالَ مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ صَاعِقَةٌ أَوْ بَرْقٌ فَصَاحِبُكُمْ يَرْكَبُهُ أَمَّا إِنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ خُمْسَ عَوَامِرٍ وَ اثْنَتَانِ حَرَائِينَ ؛ (37)

برای صاحب و سرور شما حضرت مهدی (علیه السلام) آن وسیله سرکش ذخیره شده است. راوی می گوید: گفتم: منظور از وسیله سرکش چیست؟ امام فرمود: ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است. او بر این وسیله سوار می شود، آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می شود و به آسمان ها و زمین های هفتگانه صعود می کند» .

مسئله منظور از ابر، این ابر معمولی نیست؛ چون ابرهای معمولی وسیله ای نیستند که بتوان با آنها سفر فضایی کرد؛ زیرا آنها در جو زمین در حرکت اند و با زمین فاصله چندانی ندارند و نمی توانند از آن بالاتر روند. پس منظور وسیله فوق العاده سریعی است که در آسمان، به صورت توده ای فشرده از ابر به نظر می رسد و غرشی همانند رعد و قدرت و شدتی همچون صاعقه دارد. به هنگام حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق العاده خود، می شکافد و به پیش می رود و می تواند تا هر نقطه ای از آسمان حرکت کند. بدین ترتیب، آن وسیله ای فوق مدرن بوده و شبیه آن در وسایل کنونی وجود ندارد و از تصور ما بیرون است.

8. امنیت و سلامت در عصر ظهور

از جمله نیازهای اساسی بشر - که در هرم نیازهای وی جایگاه ویژه ای دارد - امنیت است. این نیاز در ابعاد مختلف تجلی می یابد: امنیت اخلاقی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، خانوادگی و... از روایات ظهور استفاده می شود، که مدینه فاضله اسلامی، شهر امن و سلام است؛ آن هم در معنای واقعی و در تمامی ابعاد آن. قرآن کریم به انسان ها و مؤمنان مستضعف، وعده چنین شهر امن و سلامت را داده و فرموده است: «زندگی شما پس از خوف تبدیل به امن می گردد» ؛ ولی تا کنون چنین امنیتی برای بشر در عالم تحقق پیدا نکرده است. و ائمه اطهار (علیهم السلام) در تفسیر این آیه فرموده اند: منظور، عصر ظهور حضرت مهدی آل محمد است. قرآن می فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» (38)

در این آیه، سه وعده صریح به مؤمنان وارسته داده شده است: استخلاف در زمین؛ یعنی، حکومت در زمین به عنوان نمایندگی از خدا، (حکومت حق و عدل)؛ تمکین دین؛ یعنی، نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمامی عرصه های زندگی؛ تبدیل خوف به امنیت؛ یعنی، بر طرف شدن تمامی عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه روی زمین.

امام زین العابدین (علیه السلام) فرموده است: «هُمُ وَاللَّهُ شَيْعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِ رَجُلٍ مِنَّا وَ هُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ (39) این گروه به خدا قسم همان پیروان ما هستند که خداوند به وسیله مردی از خاندان ما، این موضوع را تحقق می بخشد و او مهدی این امت است» .

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود: «نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ...»؛ (40) این آیه در شان قائم آل محمد و اصحاب او نازل شده است» . از این رو، می گوییم مدینه فاضله عصر ظهور، همان مدینه امن و سلامت مورد وعده آیه یاد شده است.

9. تربیت در عصر ظهور

بشر در چندین قرن اخیر، برای آسایش تن، هر چه فرمول اقتصادی و سیاسی و هر چه امکانات علمی و تکنیکی در اختیار داشته، به استخدام در آورده است تا شاید بتواند آسایش این جهانی انسان را بدو باز گرداند. حال آن که او، پس از این همه تلاش، هیچ گونه آرامشی در خود نمی یابد. جهان را تنگ و تاریک و سرد می بیند و در آن احساس حقارت و پوچی می کند و این حالت به اعتقاد منتقدان درون این نظام (انسان محوری و انسان مداری)، جز به نابودی انسان نمی انجامد.

اما در مدینه فاضله اسلامی، تنها سخن از آسایش تن و وفور ثروت و رفاه مادی نیست؛ بلکه در تصویر مهندسان این مدینه فاضله، انسان موجودی است دارای ابعاد مختلف که تکامل و رشد او در گرو رشد متوازن تمامی آن ابعاد است. مدینه فاضله و بهشت زمینی موعود، تحقق نمی یابد؛ مگر آن که بارقه ای از آسمان در آن حلول کند. تربیت و پرورش روح انسان ها و توجه به اخلاق و فضایل معنوی - که از اساسی ترین برنامه های ظهور است - در همین راستا معنا می یابد. مدینه فاضله در عین این که شهر عدالت است، شهر رفاه، امنیت، تربیت، سجایا و فضایل انسانی نیز هست. در آن محیط، انسان های صالح تربیت می یابند تا جامعه ای آرمانی و صالح بنا نهند. انسان ها علاوه بر دستیابی به غنای مالی، از غنای قلبی و روحی نیز بهره مند خواهند شد و در کنار اتمام نعمت و وفور ثروت، به اکمال اخلاق و فضیلت های انسانی نیز راه خواهند یافت. کینه های اخلاقی از قلب ها ریشه کن می گردد. دروغ، تزویر و نامردمی، در روابط اجتماعی، جای خود را به یک رویی و یک رنگی می بخشد. در واقع، در چنین بستری رفاه و عدالت و امنیت نیز معنا پیدا می کند و حقیقت خویش را باز می یابد. جز با این نگرش همه جانبه به انسان و در کنار هم چیدن اجزای حقیقی او نمی توان به تعبیر رؤیای همیشگی انسان در تاسیس مدینه فاضله انسانی دست یافت. (41)

به هر حال ویژگی های آن مدینه فاضله، بیش از آن است که در یک مقال بگنجد؛ ولی به جهت پرهیز از اطاله کلام، بیان سایر ویژگی های آن به وقت دیگری موکول می شود.

پی نوشت ها:

- (1) تذکر: گرچه بعضی از آیات مربوط به امم گذشته مثل قوم موسی (علیه السلام) است ولی اهل فن می دانند که مورد مخصص نیست و آیه عام است و مربوط به امت اسلام نیز هست.
- (2) اعراف، آیه. 128
- (3) همان، آیه. 137
- (4) انبیاء، آیه. 21
- (5) صف، آیه. 8
- (6) نساء، آیه. 105
- (7) قصص، آیه. 5
- (8) صافات، آیات 171- 173.
- (9) انفال، آیه. 7
- (10) نور، آیه. 55
- (11) مجادله، آیه. 21
- (12) توبه، آیه 33 و فتح، آیه. 28
- (13) نهج البلاغه، حکمت 209، صبحی صالح.
- (14) منتخب الاثر، فصل 2، باب 1، ح 4، ص. 142.
- (15) همان، فصل 10، باب 2، ح 9، ص. 491.
- (16) همان، ح. 16
- (17) سوره حدید، 25.
- (18) مائده، آیه. 8
- (19) انعام، آیه. 152
- (20) نحل، آیه. 90
- (21) مائده، آیه. 8
- (22) اسدالغابه، ج 4، ص. 408
- (23) مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.
- (24) معجم الاحادیث الامام المهدی، جلد 1، ص. 92.
- (25) بحارالانوار، ج 52، ص. 362.
- (26) همان، ص. 336
- (27) همان، ص. 328
- (28) منتخب الاثر، ص. 483
- (29) بحارالانوار، ج 52، ص. 391.
- (30) همان، ص. 328

- (31) همان، ص 390.
- (32) منتخب الاثر، ص 482.
- (33) بحارالانوار، ج 52، ص 338.
- (34) عقد الدرر، فصل 7، ص 211.
- (35) منتخب الاثر، ص 168.
- (36) معجم الاحاديث الامام المهدي، ج 1، ص 95.
- (37) بحارالانوار، ج 52، ص 321.
- (38) نور، آيه 55.
- (39) مجمع البيان، ذيل آيه شريفه.
- (40) تفسير برهان ذيل آيه 55؛ نور و كتاب الغيبة، ص 240.
- (41) مجله حوزه شماره 70 و 71، ص 7-176، مقاله مهدويت و مدينه فاضله.

نشریه انتظار، زمستان 1380، شماره 2